

امیدواری برای تعیین مزد شایسته برای کارگران

هادی ابوی، نماینده کارگران در شورای عالی کار



مذاکرات دستمزد ۱۴۰۱ از امروز آغاز می‌شود و تا پایان اسفندماه برای حصول نتیجه ادامه خواهد داشت و احتمال اینکه مذاکرات در ۲۱ اسفند ماه و قبل از هفته پایانی سال به اتمام برسد، وجود دارد.

البته قرار بود جلسه بعدی شورای عالی کار در مورخ ۱۲ اسفندماه برگزار شود ولی باتوجه به ارسال دعوتنامه‌ها از سوی وزارت کار، امروز (۷ اسفند) جلسه شورای عالی کار با حضور شرکای اجتماعی برگزار خواهد شد. محور اصلی جلسه هم بررسی دستمزد ۱۴۰۱ کارگران است و با توجه به آنکه احتمال داده‌اند که مذاکرات طولانی شود، تاریخ ۷ اسفند جلسه گذاشته شده و قرار است موضوع دستمزد ۱۴۰۱ مورد بررسی قرار گیرد.

باید گفت جامعه کارگری با توجه به اینکه هزینه سبد معیشت کارگران حدود ۹ میلیون تومان تعیین شده، توقع بسیاری دارد و با حساسیت موضوع دستمزد سال آینده را دنبال می‌کند. البته این رقم مبنای مذاکرات مزد در جلسات شورای عالی کار قرار می‌گیرد و امیدواریم در گفت‌وگوها و مذاکراتی که روز شنبه داریم به نتیجه برسیم و در طول جلسات، دستمزدی شایسته برای کارگران تصویب کنیم. ملاک ما برای تعیین مزد هم، سبد معیشتی و آمار بانک مرکزی و میزان تورم است و تاکید مادر بحث دستمزد، روی معیشت خانوارهاست.

همچنین پیشنهاد ترمیم دستمزد در نیمه دوم سال به شورای عالی کار ارائه داده‌ایم تا چنانچه اتفاقات خاصی مثل تشدید کرونا یا افزایش شدید تورم در سال آینده را شاهد بودیم، به جهت حفظ قدرت معیشت خانوارها، شورای عالی کار ذیل صورجلسه، بند ترمیم مزدی را بگنجانند و در نیمه دوم سال در خصوص مزد تجدیدنظر و تصمیم‌گیری کند چون شورای عالی کار می‌تواند نسبت به ترمیم یا افزایش دستمزد هر زمانی ورود کند و منعی ندارد که بیشتر از یک نوبت در سال شورای عالی کار درباره مزد تشکیل جلسه دهد و تصمیم‌گیری کند.

در پایان باید گفت اگر چه وعده‌های زیادی داده می‌شود که سال آینده شرایط مطلوب‌تر و وضعیت قراردادهای خارجی بهتر می‌شود ولی معتقدم حتی اگر ارزانی هم بشود نمی‌توان گفت هیچ توری نخواهیم داشت لذا دستمزد کارگران در سال آینده باید واقع‌بینانه تعیین شود.

خبر

تجمع معلمان حق التدریسی مقابل مجلس

جمعی از معلمان حق التدریسی روز پنجشنبه (۵ اسفند) با تجمع در مقابل مجلس، به‌عدم دادن حکم استخدامی خود اعتراض کردند.

به گزارش ایلنا، طبق طرحی با عنوان «تعیین تکلیف استخدام معلمان حق التدریسی و آموزش شیاران نهضت سوادآموزی» که در سال ۸۸ به تصویب رسید، معلمان حق التدریسی بعد از گذراندن دوره‌ای در دانشگاه فرهنگیان باید به استخدام وزارت آموزش و پرورش دربیانند. قرار بود این معلمان در سه مرحله وارد دانشگاه شوند و بعد از گذراندن مراحل حکم خود را بگیرند. در حالی که دو گروه قبلی توانستند حکم استخدامی بگیرند و جذب آموزش و پرورش شوند، حکم استخدامی گروه سوم صادر نشده است.

این معلمان می‌گویند: وزارت آموزش و پرورش زیر بار سال حکم مامنی‌رود.



بازنشستگان کارگری هر سال فقیرتر می‌شوند

حفظ قدرت خرید در گرو افزایش ۹۹ درصدی مستمری



نسرین هزاره مقدم

بحث افزایش مزد و مستمری برای سال آینده داغ شده است. عصر امروز (شنبه، هفتم اسفند) جلسه شورای عالی کار با موضوع «تعیین دستمزد ۱۴۰۱» برگزار می‌شود. با توجه به رقم ۸ میلیون و ۹۷۹ هزار تومانی سبد معیشت، مساله مهم، نحوه سیاست‌گذاری‌های مزدی است، به این معنا که تصمیم‌گیران حوزه مزد، با چه ابزار و براساس چه متدی، قرار است مزد ۱۴۰۱ را تعیین کنند؟ آیا در نهایت فقط به نرخ تورم رسمی بسنده می‌کنند یا حاضرند حداقل مزد و مستمری را به گونه‌ای افزایش دهند که فاصله دستمزد با خط فقر یا همان هزینه‌های حداقلی زندگی را اگر بهبود نمی‌دهند، لاقط تثبیت کنند. در مذاکرات مزدی ۱۴۰۰، سبد معیشت حداقلی حدوداً ۷ میلیون تومان نرخ‌گذاری شد اما حداقل مزد و مستمری با احتساب تمام مزایای مشمول به سختی به ۴ میلیون تومان رسید که یک‌فاصله حداقل ۳ میلیون تومانی بین دریافتی بیش از ۶۵ درصد کارگران شاغل و بازنشسته (حداقل بگیران) و خط فقر ایجاد کرد. این فاصله با در نظر گرفتن تمام مولفه‌های رسمی، عددگذاری شده است، حال آنکه اگر افزایش واقعی هزینه‌های زندگی در طول سال جاری را در نظر بگیریم (برای مثال، نرخ رسمی برنج ایرانی در بهمن ماه بیش از ۲۰ درصد افزایش یافته)، فاصله مزد و معیشت بیشتر از سه میلیون تومان می‌شود.

نص قانون در مورد افزایش مستمری بازنشستگان

مذاکرات رسمی شورای عالی کار، اصلی‌ترین و مهم‌ترین مذاکرات دسته جمعی سال است و نتیجه این مذاکرات، تنها سرنوشت حدود ۱۴ میلیون کارگر شاغل و بیمه‌شده سازمان تامین اجتماعی را تعیین نمی‌کند بلکه ناظر بر سرنوشت حدود ۴ میلیون بازنشسته و مستمری‌گیر این سازمان نیز هست. ماده ۱۱۱ قانون تامین اجتماعی، یک تناظر حداقلی (البته نه تناظر یک به یک) بین حداقل دستمزد مصوب شورای عالی کار و حداقل مستمری بازنشستگان تامین اجتماعی برقرار کرده به این ترتیب که این ماده قانونی تاکید دارد افزایش مستمری نباید از افزایش حداقل مزد مصوب شورا کمتر باشد. با این حال، این تنها ماده قانونی درباره مستمری بازنشستگان کارگری نیست. در ماده ۹۶ قانون تامین اجتماعی به تاکید می‌گردد افزایش سالیانه حداقل مستمری

دستمزد یک عقب‌ماندگی عمیق و تاریخی نسبت به سطح فقر دارد و اتکای صرف به نرخ تورم رسمی در بهمن ماه بادی ماه ۱۴۰۰ یا حتی استناد به تورم میانگین سالیانه، نمی‌تواند این عقب‌ماندگی را جبران یا حتی از عمق آن بکاهد

بازنشستگان کارگری، باید برابر با میزان افزایش هزینه‌های زندگی باشد. به این ترتیب، اگر تشکلهای مستقل بازنشستگان در سازمان تامین اجتماعی حق حاکمیت و تاثیرگذاری داشتند، می‌توانستند به طور مستقل، میزان هزینه‌های زندگی خانواده‌های بسط بازنشسته یا به عبارت ساده‌تر «سبد معیشت خانواده‌های بازنشسته» را محاسبه و قیمت‌گذاری کنند و این امکان دور از دسترس نبود که حداقل مستمری بازنشستگان با استناد به این سبد مستقل، تعیین شود، نه اینکه به روال فعلی، مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی به عنوان مدیری دولتی و از بالا، افزایش مستمری سالیانه را دقیقاً برابر با میزان افزایش حداقل مزد مصوب شورای عالی کار، ابلاغ کند.

راهکارهای افزایش سالانه مزد و مستمری

خوانش حقوقی از قانون تامین اجتماعی اجازه می‌دهد که حداقل مستمری بیشتر از حداقل مزد کارگران شاغل تعیین و مصوب شود و هیچ ممنوعیتی یا محدودیتی در این زمینه نیست. «حسین غلامی» فعال صنفی مستقل بازنشستگان کارگری با تایید این خوانش صحیح می‌گوید: سال‌هاست که براساس یک رویه عرفی، میزان حداقل مستمری بازنشستگان به حداقل مزد کارگران شاغل گره خورده است، بنابراین این دو مولفه را می‌توان هم‌راستا و هم‌زمان در یک مولفه تجمیعی به نام «حداقل مزد و حقوق» بررسی کرد. برای افزایش

شده در قانون اساسی یعنی ریشه کن کردن فقر، صورت بگیرد اما حفظ قدرت خرید به عنوان یک متدولوژی حداقلی، نیاز به ابزاری برای محاسبه دارد و باید یک‌سری اصول بدیهی اقتصاد به رسمیت شناخته شود. با استناد به نرخ تورم رسمی پایان سال و افزایش دستمزد به اندازه این نرخ، نمی‌توان ادعای حفظ قدرت خرید داشت.

غلامی محاسباتی براساس حفظ قدرت خرید انجام داده محاسباتی که تورم حادث بر سبد معیشت را به عنوان معیار ارزیابی در نظر گرفته است و نشان می‌دهد برای حفظ قدرت خرید کارگران و بازنشستگان، مزد و مستمری در سال ۱۴۰۱ باید نزدیک به صدر صد افزایش یابد: «میزان تورم در سه سال اخیر برای کل کالاهای (۳۴۸ قلم) ۴۵ درصد و برای مواد خوراکی حداقل ۶۵ تا ۷۰ درصد است. سهم دستمزد در قیمت کالای تمام شده حدود صنایع با تکنولوژی بالا ۱۲ درصد و عادی حدود ۷ درصد است. به سادگی قابل محاسبه است که برای تثبیت قدرت خرید کارگران در سطح سال ۵۹، حداقل حقوق باید لاقط ۱۳ میلیون و ۳۷۰ هزار تومان شود. بنابراین با توجه به عقب افتادن تدریجی دستمزد حداقل‌بگیران شاغل و بازنشسته از خط فقر، تناظر برقرار کردن میان «تورم رسمی سالیانه» و «نرخ افزایش حقوق» گمراه‌کننده است.

این «عقب‌افتادگی تاریخی و تدریجی» نکته‌ای است که عموماً در مذاکرات مزدی مغفول می‌ماند و به جای اینکه برای رفع یک نقیصه (عقب‌ماندگی دستمزد) سیر تاریخی ماجرا را در نظر بگیرند و از ابتدا جلو بیاورند، تنها به پرده آخر نگاه سطحی می‌اندازند. غلامی می‌گوید: «تورم رسمی ماه آخ قبل از شروع جدی مذاکرات را ملاک می‌گیرند و بعد با استناد به این نرخ تک‌بعدی که نمی‌تواند همه ماجرا را نشان دهد، شروع به چانه‌زنی می‌کنند. این رویه غیرعلمی و ناعادلانه، طریقه ورود کارفرمایان به مذاکرات مزدی حداقل در یکی دودهم گذشته بوده و به‌رغم ورود پارادایم سبد معیشت به میز مذاکرات در چهار پنج سال گذشته، باز هم همان متدولوژی سابق را به عنوان اصلی‌ترین ابزار به کار می‌بندند».

غلامی، با فرض خوش‌بینانه اینکه، متوسط مستمری ۶ میلیون کارگران، در سال جاری ۶ میلیون تومان است و کف هزینه‌های زندگی با استناد به هزینه‌های خوراکی، ۸

برای افزایش مزد و حقوق یا همان حداقل مزد و حداقل مستمری، می‌توان معیارهای بسیار به کار گرفت ولی عادلانه‌ترین معیار، در نظر گرفتن واقعیات قیمت‌های بازار و در واقع هزینه سطح معیشت برای زندگی است

میلیون و ۹۰۰ هزار تومان، محاسبه می‌کند که برای حفظ همین فاصله فعلی میان حقوق و هزینه‌ها (یعنی فاصله ۲ میلیون و ۹۰۰ هزار تومانی) برای سال آینده، حقوق ۶ میلیون تومانی باید ۹۹ درصد افزایش یابد. در واقع، با این پیش‌فرض که متوسط حقوق کارگران ۶ میلیون تومان است، برای اینکه سطح قدرت خرید دستمزد نسبت به تورم حفظ شود، باید مزد و مستمری در ۱۴۰۱ حداقل ۹۹ درصد افزایش یابد. در این محاسبات، تورم خوراکی سال ۱۴۰۰، به طور متوسط ۶۷ درصد در نظر گرفته شده و برای دقت در محاسبه، این تورم روی مخارج یاسید هزینه‌های زندگی اعمال شده نه روی مداخل یا دستمزد چراکه در طول سال، «تمام هزینه‌های زندگی» به صورت فساد و به موازات هم‌گران می‌شود و اگر قرار است ماده ۴۱ قانون کار یا ماده ۹۶ قانون تامین اجتماعی اجرایی شود، باید تورم روی این هزینه‌ها به صورت تجمیعی اعمال شود، به عبارت دقیق‌تر، باید تورم نرخ سبد معیشت خانوار اعمال شود. غلامی در پایان نتیجه می‌گیرد: «برای آنکه کسری حقوق نسبت به خط فقر در سال آینده همان دو میلیون و ۹۰۰ هزار تومان مشابه سال جاری باشد حقوق ۶ میلیون تومانی باید ۹۹ درصد افزایش یابد. این معادله نشان می‌دهد که یک عقب‌ماندگی عمیق و تاریخی نسبت به سطح فقر داریم و اتکای صرف به نرخ تورم رسمی در بهمن ماه بادی ماه ۱۴۰۰ یا حتی استناد به تورم میانگین سالیانه، نمی‌تواند این عقب‌ماندگی را جبران یا حتی از عمق آن بکاهد».

۱۴ میلیون کارگر شاغل و بیش از ۴ میلیون کارگر بازنشسته، در انتظار نتایج مذاکراتی هستند که امروز کلید می‌خورد. بازنشستگانی که هزینه زندگی‌شان به مراتب بیشتر از شاغلان است و فرصت‌شان برای درآمدزایی به میزان زیادی کمتر، دل‌نگرانی‌های عمیق‌تر و جدی‌تری دارند.

حاج اسماعیلی تصریح کرد: اجرای این طرح، کار سختی است چون ما با مجموعه بزرگی از نیروهای کار در کشور مواجه هستیم که در شرایط سختی گذران زندگی می‌کنند و قطعاً نسبت به این قبیل طرح‌ها واکنش نشان خواهند داد. شرایط بازار کار و مسائل عمومی بازار کار کشور ایجاب می‌کند چنین اتفاقی نیفتد. وی با بیان اینکه نباید با مطرح کردن این قبیل موضوعات دنبال کاهش ضعیف کردن قدرت چانه‌زنی کارگران در شورای عالی کار باشیم، اظهار کرد: اگر وزارت کار حقیقتاً به بحث سه‌جانبه‌گرایی اعتقاد دارد، نباید اجازه دهد با طرح چنین موضوعاتی قدرت چانه‌زنی کارگران کاهش پیدا کند. می‌دانیم که تورم وجود دارد و خط فقر بالاست و سبد معیشتی هم که برای کارگران تعیین شده ۹ میلیون تومان است، بنابراین برای تحت تاثیر قرار دادن این مساله طرح چنین موضوعاتی شایسته نیست و نباید شان و جایگاه شورای عالی کار و سه‌جانبه‌گرایی را تنزل بدیم.



عده‌ای تصویری می‌کنند از این گرایش برای حمایت از مزد منطقه‌ای و فرو کاستن حداقل‌ها در بحث حقوق و قانون کار می‌توانند به عنوان یک فرصت مغتنم استفاده کنند.

این کارشناس روابط کار اظهار کرد: یکی از دلایلی که باعث شده منطقه‌ای شدن دستمزد مطرح شود، همگرایی دولت و مجلس و برخی نهادهای حاکمیتی به لحاظ سیاسی است.

خبر کارگری

کارشناس روابط کار:

مزد منطقه‌ای برای کاهش قدرت چانه‌زنی کارگر طراحی شده است

نیازمند شرایط با ثبات و طبیعی در کشور است لذا نباید این گونه مباحث را که در ماه پایانی سال و موعد تصمیم‌گیری برای تعیین دستمزد جامعه کارگری هستیم، مطرح کنیم.

حاج اسماعیلی گفت: مزد منطقه‌ای نفی حداقل‌ها نیست و قانون کار در ماده ۴۱ به آن اشاره کرده متناهی دیدگاهی که طرفداران مزد منطقه‌ای نسبت به آن دارند با آنچه ماده ۴۱ قانون کار مطرح کرده، کاملاً متفاوت است. کارگران اجازه نخواهند داد اساس حداقل‌های زندگی که هنوز کفاف نیازهای زندگی آنها را نمی‌دهد در کشور از بین برود چون می‌تواند یک بحران در کشور ایجاد کند و به محلی برای سوءاستفاده‌های برخی کارفرمایان که دنبال تخلف و سوءاستفاده از بازار کار هستند، تبدیل شود.

یک کارشناس روابط کار با بیان اینکه کشور و بازار کار، شرایط اجرای مزد منطقه‌ای را ندارد، تاکید کرد: نباید با مطرح کردن این قبیل موضوعات دنبال کاهش و ضعیف کردن قدرت چانه‌زنی کارگران در شورای عالی کار باشیم. حمید حاج اسماعیلی در گفت‌وگو با ایسنا درباره احتمال منطقه‌ای شدن دستمزد ۱۴۰۱ اظهار کرد: الان امکان اجرا کردن چنین طرح‌هایی در کشور وجود ندارد چون شرایط مهیا نیست و بعید می‌دانم که در کوتاه‌مدت بتوان آن را عملی کرد. با تجربه‌ای که از سال‌های گذشته و شناختی که از شرایط کشور داریم، می‌دانیم که این طرح مقدمات وی افزود: شرایط اقتصادی طبیعی نیست در حالی که اجرای طرح مزد منطقه‌ای